



شهید قاسم سلیمانی

شهید ابومهدی المهندس

شهید مصطفی جمران

شهید دواربو آبنلی

شهید حسن شاطری

شهید حسن طبرانی مقدم

شهید حسین همدانی

شهید محسن فخرزاده

شهید سید شیرازی

شهید محسن حججی

شهید سیدمهدیار حکیم

شهید عماد عقیقه

شیخ ابراهیم زکراکی

دکتر رمضان عبدالله

سردار ابراهیم محمدزاده

سیدصن نصرالله

به مناسبت هفته مقاومت و سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و یارانش، در این گزارش به مرور سیرت این شهدای برجسته جبهه مقاومت می‌پردازیم:

شهید حاج قاسم سلیمانی

جهان و یارانش، در این گزارش به عمق اخلاص و اعتقادات و ولایتمداری، عظمت شخصیت و عملکرد قهرمانانه و انقلابی سردار دل‌ها شهید حاج قاسم سلیمانی معتزفند و تاکنون این حقیقت درخشان و انکارناپذیر را فریاد زده‌اند.

ما بهترین توصیفات از ویژگی‌های حاج قاسم را در رهنمودهای مقام‌معلم/رهبری حضرت‌آیت‌الله‌عظمی‌خلمنای دیده‌ایم، لذا به این استناد می‌نماییم، رهبر انقلاب هم در زمان حیات و هم بعد از شهادت سردار، بارها با عظیم‌ترین تعابیر از عظمت شخصیت و عملکرد و شهادت شهید سلیمانی یاد نمودند.

برخی از این تعابیر چنین است:

- حاج قاسم از آنهایی است که شفاعت می‌کند.

- سردار بزرگ و پرافتخار اسلام

- شهید عالی‌مقام

- قهرمان ملت ایران و قهرمان امت اسلامی

- نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی

- همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند.

- تبلور مجموعه مکارم اخلاق در شهید سلیمانی

- در راه خدا و انجام وظیفه و جهاد فی‌سبیل‌الله از هیچ چیز پروا نداشت.

- به شدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابیگری خط قرمز قطعی او بود. ذوب در انقلاب بود.

- یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت.

- چه‌ر بین‌المللی مقاومت

- شهید سلیمانی، هم در زمان زنده بودنش استیکار را شکست داد، هم با شهادتش.

- خستی‌کننده همه نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیا

- سرشناس‌ترین و قوی‌ترین فرمانده مبارزه با تروریسم - از شوق شهادت داشت و برای آن اشک می‌ریخت و دادغاف چیز پروا نداشت.

- این شهادت بزرگ یکی از آیات قدرت الهی است.

- یوولاه بودن تشییع جنازه شهید

- به هر دو نخستین رسید، هم پیروز شد، هم به شهادت رسید. خدای تعال کننا الحسینیان را به این شهید عزیز داد. - شهادت او، زنده بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه دنیا کشید.

- با این شهادت، دشمنان در مقابل عظمت ملت ایران احساس خضوع کردند.

- بنده قلباً و زباناً او را تحسین می‌کردم اما امروز در مقابل آنچه او سرمنشأ آن شد و برای کشور بلکه برای منطقه به وجود آورد، در مقابل او من تعظیم می‌کنم.

رهبر انقلاب بلافاصله پس از شهادت حاج قاسم بر ادامه راهش تأکید و بر ضرورت به چشم مکتب‌نگاه کردن به شهید سلیمانی تصریح نموده‌اند. این شاخص‌ها عبارتند از: دشمن‌شناسی، دانستن نقشه دشمن و دانستن شیوه مقابله با نقشه دشمن.



شهید شهروز مظفری‌نیا

شهید ابومهدی المهندس

یکی از هم‌راهان شهید قاسم سلیمانی در پرواز ابدی از فرودگاه بغداد، شهید ابومهدی المهندس است.

«جمال جعفر محمد آل‌ابرهیم» یا «جمال ابراهیمی» که بیشتر با لقب «ابومهدی المهندس» شناخته می‌شود، فرمانده اجرایی یا به عبارت دیگر فرمانده میدانی بسیج مردمی عراق (الحشدالشعبی) بود.

ابومهدی در دوران حاکمیت حزب بعث عراق، در سال ۱۹۸۰ به کویت رفت و در آنجا همراه با دیگر نزدیکان خود، ابتدا حزب‌الدعوه و بعدها یک گروه جهادی را پایه‌گذاری کردند. مدتی نیز در ایران بود. تا سقوط صدام خارج از عراق فعالیت‌های مبارزاتی داشت.

در سال ۲۰۰۷، با داشتن تجارب فراوان جنگی اقدام به تشکیل گروه «کتاب حزب‌الله عراق» کرد. کتاب حزب الله به‌عنوان قدرتمندترین گروه مسلح سازمان‌یافته در عراق شناخته می‌شود و ستون اصلی حشدالشعبی است.

«حضرت آیت‌الله سید علی سیستانی‌ الحسینی

با شما در به دست گرفتن سلاح و جهاد و مشارکت در این عملیات جهادی حسینی و مقدس بیامی می‌بندیم و جان و هسر آنچه که در اختیار داریم برای توقف این تهاجم ظالمانه یزیدی- زیدی- تکفیری و دفاع از مقدسات و حرم انمه (مام) علی(ع)، (مام) کاظم(ع)، (مام) جواد(ع)، (مام)هادی(ع) و (مام) حسن عسکری(ع) و حضرت عباس(ع) و نیز دفاع از ابرو و عرقانم و جمیع مظلومان را به کار می‌گیرم…»

بسیج مردمی عراق یا حشدالشعبی به نیروهای مردمی عراق گفته می‌شود که در کنار ارتش این کشور قرار دارند و با هدف مبارزه علیه داعش سازماندهی شده‌اند. این نیرو حدود ۴۰ گروه مختلف تشکیل شده که بیشترشان شیعه

هستند اما گروه‌های سنی، مسیحی و ایزدی نیز در آن حضور دارند. فرماندهی میدانی این نیروها یا ابومهدی المهندس بود.

به ابومهدی گفته شد خسته نشدی این همه مبارزه کردی؟ حضرت استراحت نمی‌کنید و تفریح نمی‌وید؟ ابومهدی در پاسخ روایتی از حضرت رسول(ص) خواند: «سباحات امت من جهاد است.» این جمله شاه‌کلید فعالیت تمامی مجاهدین است.

اتفاق فرماندهی جنگ او، نه در قلب پایتخت و روی زمین، بلکه در خط مقدم و در نبره‌های

رومی بود. ابومهدی تمامی گروه‌ها و فضاهای عملیاتی را شخصاً سرکشی می‌کرد. در مبارزه با داعش همکاری گسترده‌ای با جهاد حاکم داشت.

ناصر الابراهیمی پسرعموی شهید می‌گوید: رابطه شهید المهندس با شهید سلیمانی، رابطه برادر با برادر بود، دو شهید جز هنگام ضرورت از هم جدا نمی‌شدند.

سیدهاشمی موسوی تهیه‌کننده مستند «سلفی با ابومهدی» معتقد است: «ابومهدی همانند حاج قاسم فرمانده قلوب بود.»

رهبر انقلاب در جریان ملاقات شهید ابومهدی المهندس با



شهید محسن فخرزاده

شهید سید شیرازی

شهید محسن حججی

شهید سیدمهدیار حکیم

شهید عماد عقیقه

شیخ ابراهیم زکراکی

دکتر رمضان عبدالله

سردار ابراهیم محمدزاده

سیدصن نصرالله

آسمان پرستاره مقاومت

کامران پورعباس

همسرم در آن دنیا با حضرت زهرا(س) محشور شود.» هر وقت مشکلی پیش می‌آمد، هادی، یا زهرا(س) می‌گفت و از حضرت زهرا(س) می‌خواست تا گره را باز کند.»

از کودکی عاشق شهادت بود و ارادت و بی‌زبای به امام حسین(ع) داشت. پای پدرش و دست مادرش را می‌بوسید و همیشه می‌گفت به هر جایی رسیدم از دعای شمامت. ولایت‌پذیری، مهم‌ترین خصوصیتی بود. دغدغه‌اش درباره این موضوع فرا منطقی‌ا شده بود. همیشه می‌گفت که ما باید کاری کنیم که رهبر به ما افتخار کند.

حسینی بود و مانند پروانه آن قدر دور حسین(ع) چرخید تا پر و بال سوزاند و فدای سیدالشهدا(ع) شد.» مادر شهید درباره دیدارشان با مقام معظم رهبری می‌گوید: «بعد از شهادت آقا وحید، دو بار به دیدار حضرت آقا رفتم؛ یکی یک دیدارها خصوصی بود… حضرت آقا به پدر شهید و عروسمان یک جلد قرآن هدیه دادند. همچنین تمام اعضای خانواده‌مان از حضرت آقا یک انگشتر عقیق هدیه گرفتیم. ما بعد از این دیدار دلمان آرام شد.»

همسر شهید از دیدار با رهبری می‌گوید: «در این دیدار من از حضرت آقا خواستم دعا کنند عاقبت ما ختم به شهادت شود که ایشان دعای عاقبت به‌خیری برایشان کردند و فرمودند: «ان‌شاءالله به واسطه خون این شهدا چشمتان در دنیا و آخرت روشن بشود و خدا ما را با این شهدا محشور کند.» بعد هم حضرت آقا به ما مادر آقا وحید گفتند که شما به خدا نزدیک‌تر هستید، برای ما دعا کنید.»

زندگی در محله شهرری و در جوار حرم حضرت عبدالعظیم

حسینی(ع) از همان کودکی وحید را ششیفته اهل‌بیت(ع) کرد. در دوران نوجوانی کانون خودسازی و تهذیب نفسش را حرم سیدالکرمی قرار داد. هر گاه در تهران بود، خودش را بشاهای جمعه به پارک‌ها ملوکئی حضرت عبدالعظیم می‌رساند و سرانجام پیکر مطهرش در ششستان امام خمینی حرم حضرت عبدالعظیم حسینی(ع) به خاک سپرده شد.

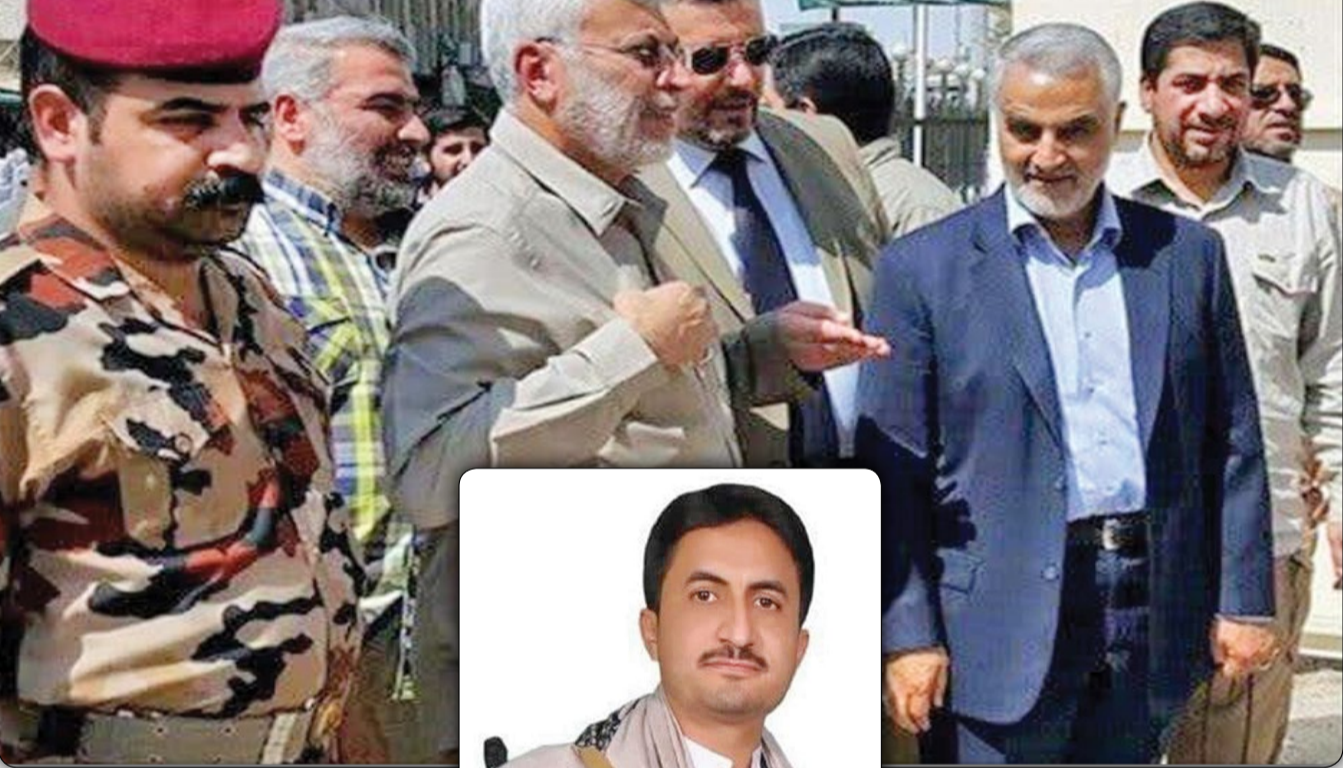
شهید سیدعباس موسوی

علامه سیدعباس موسوی که در صف مقدم‌ستیز با رژیم اشغالگر قدس قرار داشت، با هم‌فکر جمعی از علما و گروهی از شاگردان خود، جنبش انقلابی «حزب‌الله لبنان» را در سال ۱۳۷۰ بنیان نهاد و دبیر کل این جنبش شد.

او ویژگی بارز شهیدش مجاهد سید عباس موسوی روحیه ولایتمداری ایشان است.

سید پاسر موسوی فرزندشان تصریح می‌کند: «شهید سید عباس موسوی اولین کسی بود که در لبنان آیت‌الله خامنه‌ای را با نام امام خطاب کرد، چرا که ایشان انتخاب و علاقه اول سیدعباس برای رهبری بعد از رحلت امام خمینی(ره) بودند.»

در ۲۷ دی ۱۳۷۰، سید عباس موسوی دبیرکل حزب‌الله لبنان پس از سخنرانی در مراسم هشتمین سالگرد شهادت شیخ زافعب حرب، به همراه همسرش امیاسر و فرزند خردسالش حسین، با شلیک مستقیم موشک هلی کوپتر اسرائیلی به خودروی حامل آنان، به شهادت رسید.



شهید طه‌المدانی

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید هادی ظلمی

شهید حسن ایزدلو

شهید هادی ظلمی

شهید محمد الشیبانی

شهید هادی ظلمی

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید هادی ظلمی

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

شهید وحید زمانی‌نیا

متجاوزان و خارج کردن این ملت از حصار به طوری که اکنون اتصال‌الله با بعضی دولت‌های عربی، با نماینده دبیرکل سازمان ملل در امور یمن و فرستادگان ویژه سران کشورها، با کشورهای عربی روسیه و چین به‌عنوان دو عضو شورای امنیت سازمان ملل مرابده سیاسی برقرار کرده و در حال گفت‌وگو با کشورها می‌در اروپا هم هست.

هشام شرف وزیر خارجه دولت نجات ملی یمن می‌گوید: سفیر ایران در رسانای مظلومیت ما اقدام می‌کرد و صدای مظلومیت مردم یمن بود.

حاج حسسن در محل مأوریش به کرونا مبتلا شد و به دلیل کارشکنی و تعلل ائتلاف سعودی، دیرهنگام و در شرایط نامناسبی به کشور بازگشت و به رغم بکارگیری همه امکانات درمانی در تهران، در آذرماه ۱۴۰۰ به شهادت رسید.

شهید طه‌المدانی

شهید طه‌المدانی فعالیت خود را برای آگاهی‌بخشی و افزایش فرهنگ عمومی آغاز کرد و گسترش داد. بعد از مدتی دستگیر و سه سال در زندان امنیتی با وضعیت سلامتی وخیم گذراند. انقلابیون یمن شش جنگ داخلی با علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور فاسد و وابسته یمن انجام دادند.

المدانی پس از خروج از زندان، در جنگ چهارم شرکت کرد و نقش مهمی در مقاومت رزمندگان داشت. حکمت و درایت و دلاوری و هوش بینظیر نظامیاش در مدیریت جنگ آشکار شد. پس از آن در جنگ‌های مختلف مأموریت‌های مهمی را از عبدالملک الحوثی دریافت کرد و به‌عنوان نماینده‌اش برای پیگیری مسائل موجود انتخاب شد.

پس از پایان جنگ ششم با عامل رژیم سعودی، عبدالملک الحوثی، طه‌المدانی را مأمور به تشکیل اداره امنیتی و مدیریت آن به صورت مستقل از بخش نظامی و جهادی کرد و وی نیز بخش امنیت داخلی را تأسیس کرد. ره‌اورد این تلاش‌ها تشکیل کشته‌های امنیتی مردمی طی انقلاب یمن و همچنین تشدید مبارزه با گروه‌های تروریستی وابسته به القاعده و داعش بود.

جشن‌های مذهبی و گردهمایی‌ها و تجمعات میلیونی مردمی که طی سال‌های اخیر در صنعا به دعوت انصارالله در امنیت کامل برگزار می‌شد، حاصل تلاش‌های این شهید بزرگوار و پارتاش در تأمین امنیت بود.

با آغاز تجاوز ائتلاف سعودی علیه یمن، شهیدالمدانی وارد عرصه مبارزه با متجاوزان شد و نقش بسزایی در دفع حملاتشان ایفا کرد و در سرانجام در ۱۵ شمعان ۱۴۳۴ مصادف با پنجم ژوئن ۲۰۱۵ در خط مقدم جبهه طی حمله هوایی جنگنده‌های رژیم سعودی و بمباران خطوط مقدم نبرد به فیض شهادت نائل شد.

با آغاز تجاوز ائتلاف سعودی علیه یمن، شهیدالمدانی وارد عرصه مبارزه با متجاوزان شد و نقش بسزایی در دفع حملاتشان ایفا کرد و در سرانجام در ۱۵ شمعان ۱۴۳۴ مصادف با پنجم ژوئن ۲۰۱۵ در خط مقدم جبهه طی حمله هوایی جنگنده‌های رژیم سعودی و بمباران خطوط مقدم نبرد به فیض شهادت نائل شد.

شهید شیخ احمد یاسین

شیخ احمد یاسین در روسای الجوره فلسطین به دنیا آمد. با شروع جنگ ۱۹۶۶، با خانواده به شهر غزه مهاجرت کردند. در نوجوانی در اثر تمکین یک حرکت ورزشی، دچار معلولیت شد. اما این موضوع خللی در اراده پولادینش ایجاد نکرد. به‌عنوان معلم ادبیات عرب و تربیت اسلامی به کار مشغول شد. در مساجد غزه به سخنرانی و تدریس پرداخت و به مشهورترین سخنران نوار غزه تبدیل شد.

در سال ۱۹۸۳ به انهام نگهداری اسلحه و تشکیل سازمان نظامی و فعالیت علیه اسرائیل بازداشت و در دادگاه نظامی اسرائیلی به ۱۳ سال زندان محکوم شد. در سال ۱۹۸۵ پس از تحمل ۱۱ ماه زندان، در چارچوب تبادل اسرا میان رژیم



شهیدحسین پورجعفری

صهیونیستی و جبهه آزادیبخش فلسطین رهایی یافت. در سال ۱۹۸۷ به همراه گروهی از فعالان اسلامگرا، جنبش مقاومت اسلامی «حماس» را در غزه بنیان نهاد.

انتفاضة مردمی که در دسامبر سال ۱۹۸۷ پدید آمد، ثمرات فکری شیخ احمد یاسین بود. تصمیم برای آغاز انتفاضة، هم زمان با تشکیل حرکت مقاومت اسلامی «حماس» گرفته شد. در سال ۱۹۹۱، دادگاه نظامی صهیونیست‌های غاصب، به اتهام تشویق برای رودن و قتل سربازان اسرائیلی، تأسیس حماس و تشکیل دستگاه‌های امنیتی و نظامی به حبس انداختند. در ۱۱ آبان ۱۳۷۶ در توافقی که میان ارذن و رژیم اشغالگر فلسطین و با اشاره به شدت علاقه‌مقام معظم رهبری به شهید مجاهد سید عباس موسوی می‌گوید: رهبر ما آیت‌الله خامنه‌ای وقتی که سیدعباس به شهادت رسید، در سخنرانی فرمود کمرو شکست، تا جایی که تا سه هفته در ایران برای ایشان نزاردی می‌کردند و در ادامه همم پیامهای عزاداری می‌فرستادند و حتی موقعی که در نزد ایشان رفتم؛ با تأسف و ناراحتی شدیدی از شهادت ایشان صحبت کردند و با شوق و محبت زیادی از ایشان یاد کردند و معتقد بودند انسان مهمی در دست داده‌اند. اسلای که بسیار برایشان عزیز بوده است. سردار سلیمانی و سید حسن نصرالله اراتمند سید عباس بودند.

به گفته دختر شهید سیدعباس موسوی: «هنگامی که مادر سردار شهید سلیمانی از دنیا رفت، به ایشان تسلیت گفتم، سردار گفت من شهید موسوی را از نزدیک ندیدم، اما از طریق آشنایی با سید حسن نصرالله، این شهید را شناختم، زیرا هر وقت سیدحسین نصرالله از سیدعباس موسوی تعریف می‌کند، انگ‌هایش جاری می‌شود- و من از ارادت ایشان به شهید موسوی، ارادت‌مند سیدعباس شدم.»

شیخ احمد یاسین در این دیدار گفت: فلسطین متعلق به همه مسلمانان است و ما با مقاومت خود در این راه یا به شهادت می‌رسیم و یا سر انجام قدس شریف را آزاد خواهیم کرد.

شیخ احمد یاسین، رهبر روحانی مردم فلسطین و بنیان‌گذار جنبش مقاومت اسلامی «حماس» در دوام فروردین ۱۳۸۳ به هنگام خروج از مسجد، در حمله هوایی بالگردهای رژیم صهیونیستی به شهادت رسید. در این حمله، نه نفر نیز جزو مایفان حرم اهل بیت(ع) در شهر غزه به در این راه جانبا هم شده‌اند.

در پیام تسلیت رهبر انقلاب از شیخ احمد یاسین با تعابیر «عالم مجاهده»، «بنیانگذار و پیشوای جیش حماس»، «شیخ مجاهد پارسا» و «شیخ عارف سیرفی ایران در یمن خدمت نمود. حاج حسن، نقش بسپار برجسته‌ای در کمک به مردم یمن در طول یک دهه داشته است. اهم فعالیت‌های وی در کمک به مردم یمن از آنجاست که

- هماهنگ‌کننده کمک‌های انسان‌دوستانه ایران به یمن پس از آغاز جنگ

- افزایش توانمندی سیاسی و مدیریتی یمنی‌ها با استفاده از مدل «سیاسی و مدیریتی دوران دفاع مقدس»

- تلاش برای وقفه‌های هماهنگی‌آموز انتقال مجروحان جنگی، و رساندن کمک‌های بشتری‌رسانه به یمن

- تلاش برای ارتباط با همه احزاب و گروه‌های سیاسی و قومی یمن

- فعال‌کردن مجدد بیمارستان و کلینیک هلال‌احمر کشورمان در یمن

- تلاش بی‌وقفه برای ارتباطات کارشناسی در بخش‌های فنی، بهداشتی و دانشگاهی برای استفاده از تجربیات متخصصان ایرانی

- برقراری اتصالات منطقه‌ای و بین‌المللی یمنی در مقابل

دیده‌بان

یادی از روحانی شهید حمیدرضا واضحی فرد

سعید رضایی

چپیه را از دور گردش باز کرد تا شیشه‌های دوربین را پاک کند. گرد و غبار انفجارات و دود گوگرد شیشه‌های دوربین را سیاه کرده بودند. از شدت بمباران روز همچون شب شده بود و چشم، چشم را نمی‌دید.

کمی گوش تیز- کرد. صدای زنجیر چرخ تانک‌ها بود که به گوش می‌رسید. نزدیک و نزدیک می‌شد.

با دوربین نگاهی به روبه‌رویش انداخت اما چیزی ندید. همین که دوربین را چرخاند و به سمت چپ و راست نگاه کرد، چشمش از تعجب نزدیک بود از حلقه در بیایند. لشگر انبوه تانک‌ها که از بیراهه و میان نخلستان‌ها می‌خواستند به خط بزنند.

گوشی بی‌سیم را برداشت تا گرای آنها را به توپخانه بدهد اما تعداد زیاد تانک‌ها آن هم با این سرعتی که به پیش می‌آمدند، امکان هر نوع مقابله‌ای را سلب کرده بود.

کتاب بی‌سیم را عوض کرد و فرمانده را گرفت و آنچه دیده بود، گفت. حال تصمیم با خود فرمانده بود که این حمله گاز انبری را چگونه دفع کنند.

لحظاتی بعد دستور عقب‌نشینی موتقی و تاکتیکی صادر شد تا رزمندگان به عقب بازگشته و با سازماندهی بهتری حمله کنند اما حمیدرضا همچنان سر جایش نشسته بود.

اگر بچه‌ها بخواهند حمله کنند، به دیده‌بان نیاز دارند. باید کسی باشد که آنها را از اوضاع و احوال منطقه با خبر کند. اصلاً وظیفه من این است که اینجا بنشینم و مو به مو هر آنچه می‌بینم را گزارش کنم. مگر من چشم و گوش فرمانده نیستم. پس باید اینجا بنایم و…»

این کلمات، حرف‌هایی بود که در ذهن حمیدرضا چرخ می‌زد و او را برای ماندن مُجاب می‌کرد و چه خوب شد- که ماند. اگر او هم رفته بود پس چه کسی به داد مجروحین می‌رسید و آنان را سیراب می‌کرد. در آن عملیات حمیدرضا هم دیده‌بان لشکریان بود و هم ساقی.

روحانی شهید حمیدرضا واضحی فرد در روز اول فروردین سال ۱۳۴۶ در خانواده‌ای مذهبی و متدین به دنیا آمد. حمیدرضا پسر تیزهوش و با استعدادی بود. از همان اول با رفتار و بازی‌های بچه‌گانه‌اش این را به همگان نشان داد که با خیلی از بچه‌های دیگر فرق دارد و آینده درخشانی در پیش روی اوست.

پدرش نام او را در مدرسه علوی نوشت تا آغازی باشد بر راه پر فراز و نشیب جهاد علمی‌اش. مقطع راهنمایی او مصادف بود با اوج جریان‌های مبارزه با رژیم شاهنشاهی و تظاهرات مردم. حمیدرضا هم با اینکه سن اندکی داشت اما با تحریک دانش‌آموزان برای به تعطیل کشاندن مدرسه، سعی داشت آنان را با خود همراه سازد تا تظاهرات شرکت کنند. حتی اعلامیه‌های امام را در برادران بزرگ‌ترش می‌گرفت و مخفیانه در مدرسه توزیع می‌کرد. بعد از پیروزی انقلاب، هنوز اندک زمانی نگذشته بود که جنگ تحمیلی شروع شد. حمیدرضا فرزند پسر سوم خانواده بود و دو برادر بزرگ‌ترش قبل از او به جبهه رفته بودند و همین دین برادران بزرگ‌ترش که از جبهه بازمی‌گشتند و خاطرات رزمندگان و شهیدا و حماسه‌های آنان را تعریف می‌کردند، انگیزه‌های شده بود برای حمیدرضا که او هم به جبهه برود اما سنش برای رفتن به میدان جنگ خیلی کم بود.

تلاش و انگیزه حمیدرضا برای رفتن به جبهه واقعاً ستودنی بود. هر کاری که به ذهنش می‌رسید انجام داد. با هر کس که می‌شناخت صحبت کرد- تا بتواند پدر و مادرش را راضی کند اما نتشد. در واقع پدر و مادر حمیدرضا نمی‌توانستند نبود هر سه فرزند در خانه را تحمل کنند. تنها به این شرط راضی شدند که یکی از آن دو برادر بزرگ‌تر از جبهه بازگردد اما بعد از پیروزی انقلاب، هنوز اندک زمانی نگذشته بود که جنگ تحمیلی شروع شد. حمیدرضا فرزند پسر سوم خانواده بود و دو برادر بزرگ‌ترش قبل از او به جبهه رفته بودند و همین دین برادران بزرگ‌ترش که از جبهه بازمی‌گشتند و خاطرات رزمندگان و شهیدا و حماسه‌های آنان را تعریف می‌کردند، انگیزه‌های شده بود برای حمیدرضا که او هم به جبهه برود اما سنش برای رفتن به میدان جنگ خیلی کم بود.

تلاش و انگیزه حمیدرضا برای رفتن به جبهه واقعاً ستودنی بود. هر کاری که به ذهنش می‌رسید انجام داد. با هر کس که می‌شناخت صحبت کرد- تا بتواند پدر و مادرش را راضی کند اما نتشد. در واقع پدر و مادر حمیدرضا نمی‌توانستند نبود هر سه فرزند در خانه را تحمل کنند. تنها به این شرط راضی شدند که یکی از آن دو برادر بزرگ‌تر از جبهه بازگردد اما بعد از پیروزی انقلاب، هنوز اندک زمانی نگذشته بود که جنگ تحمیلی شروع شد. حمیدرضا فرزند پسر سوم خانواده بود و دو برادر بزرگ‌ترش قبل از او به جبهه رفته بودند و همین دین برادران بزرگ‌ترش که از جبهه بازمی‌گشتند و خاطرات رزمندگان و شهیدا و حماسه‌های آنان را تعریف می‌کردند، انگیزه‌های شده بود برای حمیدرضا که او هم به جبهه برود اما سنش برای رفتن به میدان جنگ خیلی کم بود.

تلاش و انگیزه حمیدرضا دلش را در بیا زد و با هر گونه ترفندی که بود خودش را به منطقه رساند اما از شانس بد، مسئول آن منطقه جنگی برادرش جواد بود. جواد که از حضور نیرویی آگاه شده بود او را پیدا کرد و به گوشه‌ای کشاند و گفت: «باید بروی از پدر رضایت‌نامه بیاوری. درسته من اینجا مسئول اما نمی‌توانم تو را اعزام کنم.»

وقتی بازی‌گشت، از شدت ناراحتی می‌میر شد و در بستر بیماری افتاد. پدر و مادر که متوجه اشتیاق بیش از حد حمیدرضا برای حضور در میدان نبرد شدند، نهایتاً با رفتن او موافقت کردند و حمیدرضا در اولین فرصت خودش را به صحنه جنگ رساند و به عنوان دیده‌بان، مشغول جهاد فی سبیل‌الله و یاری دین خدا شد.

با اینکه سن کمی داشت اما سر ترس و دل شیری داشت. همیشه جلو بود، حتی جلوتر از خط مقدم. گاهی اوقات چند نفری و گاهی اوقات هم تنهایی. گاهی اوقات چند شبانه‌روز با آب و غذای اندکی به سر می‌برد و به دیدن‌های می‌پرداخت.

در عملیات والفجر ۵ که منجر به آزادسازی فاو شد، حمیدرضا نقش مهمی را در دیده‌بانی و گرا دادن به توپخانه خودی جهت منهدم کردن مواضع و امکانات دشمن به عهده داشت. سعی می‌کرد تا آنجا که می‌تواند جلو برود و از نزدیک گزارش کاملی از وضعیت دشمن ارسال کند. در یکی از روزها که دشمن حمله می‌کند و رزمندگان مجبور به عقب‌نشینی تاکتیکی می‌شوند، حمیدرضا و چند نفر از دوستانش همچنان در منطقه می‌مانند و شب هنگام به کمک مجروحان می‌روند و آنها را به عقب منتقل می‌کنند.

در همین عملیات بود که از ناحیه سر مورد اصابت ترکش قرار می‌گیرد و روحتش به دیدار معبود می‌شاید.

آری، حمیدرضا که از ره